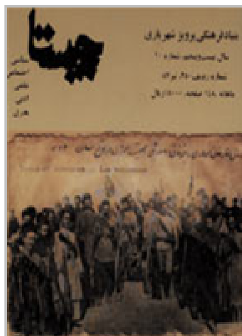


روز اورمزد، ماه فروردین

نویسنده: مزداپور،کتایون
ادبیات و زبانها :: چیستا :: فروردین 1361 - شماره 8
از 918 تا 923
آدرس ثابت : http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/180302

دانلود شده توسط : فریدون راستی
تاریخ دانلود : 1393/01/04 00:01:18

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه،مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com

روز اورمزد[1]، ماه فروردین

با یاد مادرم

کتایون مزداپور

دستنویس Mu_{29} که‌نسخهٔ اصلی آن درکتابخانه **مهرجی رانا**، درنوساری هندوستان محفوظ است، برای نخستین‌بار، ازسوی «مؤسسهٔ آسیائی دانشگاه شیراز»، باصورت چاپ‌عکسی، انتشاریافته است ومتن آن، پیش‌از این، قرائت وترجمه نشده بود.

مقدمه پایان‌نویس ندارد و بر صفحهٔ ۱۱۲ آن، تاریخ «روز سروش، ماه اردیبهشت سال ۱۲۱۱ یزدگردی» دیده می‌شود.

برخی از قطعه‌های سی‌وچندگانهٔ آن، از دینکرد و تکمله شایست ناشایست[2] ونیز بندهش، برداشته شده است. بیش ازیك سوم ازاین دستنویس هم شامل قطعه‌هائی است که مأخذ آن‌ها یافت نشد و احتمالاً ازروی کتاب‌های شناخته‌شده، رونویسی نگردیده است وبه علت داشتن ویژگی‌های املائی ودستوری و واژگانی، باید در زمانی متأخر، انشا شده باشد و بسیار جدید بنظر می‌رسد. معهذا، دلائلی در دست است که‌بجز چند صفحه، این‌قطعه‌ها نیز در زمانی پیش از سال ۱۲۱۱ یزدگردی تحریر شده است[3].

قطعه‌ای که ترجمهٔ آن در زیر می‌آید، درصفحهٔ ۷۳ سطر ۶ تا پایان صفحهٔ ۷۸ نوشته شده وباردیگر، در صفحهٔ ۱۱۲ سطر ۷ تاصفحهٔ ۱۱۷ سطر ۷ تکرار گردیده است.

دراین ترجمه کوشش شده است ـ تاجائی‌که نوشته نامفهوم نشود ـ روال وسبك اصلی متن ونیز واژگانی‌که دراصل به‌کاررفته است، حفظ گردد.

علامت (=) برای توضیح واژهٔ فارسی و پهلوی است که‌در این متن بامعنائی خاص به‌کار رفته ودر درون علامت [ ] واژه یاعبارتی آمده است‌که درمتن نیست.

از استادان ارجمند و دوستان عزیزی که در این کار مرا یاری کرده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم.

۱ـ نام‌خداوند یگانه ومتعال ونیز نام نخستین روز ازهرماه است.

2- Kotwal, M. P. ed.: The Supplementary Text to The Šāyest Ne Šāyest; Kobenhavn, 1969.

۳ـ دربارهٔ این‌دستنویس، مقاله‌ای‌ازنگارنده درمجلهٔ«پژوهشنامهٔ مؤسسهٔ‌آسیائی» دانشگاه شیراز، شمارهٔ یك از سال چهارم، صفحه ۳۷ تا ۵۳ نشر یافته است.

www.noormags.com

به‌نام دادار اورمزد اشوی[1] افزونی[2].

به‌روز اورمزد، ماه‌فروردین، دادار اورمزد، اشوزردشت را فرمودکه مردمان جهان را آموزش کن که [در] ایـن روز، واج[3] وَنَند[4] گیـرد[5] یعنی واج چهـار درون[6] وننـدگیرد؛ چراکه در بارهٔ آن، دادار اورمزد [در اوستا] فرمایدکه «چهار ستاره را بسیار بزرگ بیافرینم»؛ [که] باآن چهار ستاره، شانزده هزار ستارهٔ دیگر است [و] با [هریك از] آن شانزده هزار ستاره، یك‌هزار [ستارهٔ] دیگر است، باآن؛ [و] هریك را، برای خدمت دیگری داشته (= گماشته) است. نیز در میان آن همه ستاره، آن چهار را، بیشتر بزرگ آفـریده است و هر آن چهار [ستاره] را، چهار جهت اصلی است [که] نام آن پیداست، یکی آن که **تشتر**[7] را ودیگری، **سدویس**[8] را وسوم، ونندرا وچهارم، **هفتورنگ**[9] را [ست]. تشتر را ناحیهٔ مغرب وسدویس را ناحیهٔ مشرق، ونندرا ناحیهٔ جنوب و هفتورنگ را ناحیهٔ باختر (= شمال) [است]

۱ـ پارسا وپرهیزگار.

۲ـ شکل فارسی برای واژهٔ پهلوی abzōnīg = افزون شونده؛ که‌اصلاً درترجمهٔ واژهٔ اوستائی ـ spənta به‌کار می‌رود.

۳ـ واژه وکلام، نیایش. واج‌ونند: نیایشی‌که ویژهٔ ونندایزد است.
واج گرفتن: سرودن نیایش است باآهنگ‌آرام وزمزمه‌وار که‌در اصل به **مراسم‌یسنه** تعلق داشته و از این رهگذر، به زمزمه و نیایش در دیگر مراسم و آداب دینی نیز اطلاق گردیده است.

۴ـ **نسرواقع** ونیز نام‌ایزدی است‌که یشت بیست‌ویکم در وصف اوست.

۵ـ شاید : کند.

۶ـ dron. از واژهٔ اوستائی ـ draonah. به‌معنای «نصیب، بهره، دارائی» می‌آیدو اصطلاحاً به‌نانی‌گفته می‌شودکه درمراسم **درون‌یشتن** به‌آن دعا می‌خوانند تامتبرك گردد. **یشت‌درون** برای «عبادت» یا «شکرگزاری» است و می‌توان آن‌را به هریك از ایزدان تقدیم داشت. واژهٔ **درون** علاوه برنان متبرك، به مراسمی‌که در آن نان متبرك آماده می‌شود، نیز اطلاق می‌گردد. برای اطلاع بیشتر، نك. به دکتر احمد تفضلی: مینوی خرد. از انتشارات‌بنیاد فرهنگ ایران. سال ۱۳۵۴. صفحه ۱۱۳.

۷ـ شعرای یمانی. ۸ـ احتمالاً الدبران یاسهیل. ۹ـ دب‌اکبر.

www.noormags.com

و این هرسه ستاره [یعنی] تشتر و سدویس و هفتورنگ را، گوهر (؟) [از] ناحیه و شهر دیگر است. ایشان را کاردیگری نیز سپرده شده است. پاسدارماندن برسردوزخ را، دادار اورمزد، به‌ونند ایزد[1] داده است (= سپرده است)، بدان سبب که ونند ایزد را، رسن‌ودست‌بسیار[2] است و [چون] در دوزخ، تاریکی بسیار سخت(=شدید) است، ونندایزد، روشنی خویش در دوزخ افکند، چرا که در دوزخ تاریکی بسیار سخت (=شدید) است [و] از آن تاریکی، روان دوزخیان، بسیار ناخرسند مانند (= هستند)، نیز (= آن‌گاه) ازروشنی‌ونندایزد، همهٔ‌روان‌هارا آسانی (=آسایش) رسد. نیز از حکم دادار اورمزد، **گرز مهرایزد**، بر سر دوزخ آویخته است، چرا که [چون] اهریمنان، روان دوزخیان را از (= به‌واسطهٔ) گناه، پادافراه‌کردن خواهد، پس آن‌گرز، ازحکم ونندایزد، برسر **دیوان**[4] و **دروجان**[5] افتد، پس ازآن، پادافراه کردن نتوانند. هرگاه، آن گرز نبودی، در یك زمان (= یك لحظه؛ فوراً)، همهٔ روان‌هارا تباه‌کردی. ونندایزدرا، ازماندن‌برسر دوزخ، ناخوشی (؟)(=ناخشنودی) است. بدان [سبب]: دادار اورمزد، درمیان آن چهار ستاره، ونندایزد را بزرگی و سرداری داده است.

به‌روز **فروردیگان**[6]، همهٔ **دیوان** و **دروجان**، بی‌هوش می‌شود، یعنی از روز

۱ـ از ریشهٔ yaz مشتق می‌گردد که معنای آن «ستودن، نیایش کردن، نوعی قربانی کردن» است. واژهٔ **ایزد** معنای «ستودنی، آن که ستودنی است» دارد و در آئین زردشتی متأخر به فرشتگانی اطلاق می‌شودکه بازتابی از انوار اورمزدی والوهیت خداوند هستند.

۲ـ ظاهراً اشاره است به‌پرشعاع بودن ستاره.

۳ـ **مهر**، ایزدی بزرگ است که **مهریشت** درستایش او سروده شده است. دراین‌سرودکهن، از**گرز مهر ایزد** که‌برای کشتن بدی وراندن اهریمن است، یادگردیده.

۴ـ بدی مجرد وتجسم بدی، شیطان. ۵ـ دیو، شیطان.

۶ـ ده روزی که میان روز **اشتاد** از اسفندماه و روز **وهشتواشت‌گاه** است، فروردیگان خوانده می‌شود ودرآن ده‌روز، مراسمی ویژه برای یادکردن ازدرگذشتگان وروان ایشان، انجام می‌پذیرد.

←

www.noormags.com

اشتاد[1] تا [روز] **وهشتواشت گاه**[2]، اهریمنان، آگاهی از این جهان، ندارد وبه روز فروردیگان، همه روان بهشتیان، همه‌به‌این جهان آیند و هریك درمیهن (= خانه، جایگاه) خود، خرمی و رامش‌کنند وروان دوزخیان را، نیز، از حکم دادار، ونند ایزد به‌این‌جهان، با (= به‌همراهی) روان‌بهشتیان، فرستد و آن [روان‌های‌دوزخی] نیز در میهن (= خانه و جایگاه) خود، رامش‌کنند. چونان‌که کسی به سفر رود و پس به (= پس از) دیرزمان (= زمان دراز) وچند سال، از سفر به‌ده خود بازآید

←

پنج روزی‌که ازاشتاد تاانارام روزاست، پنجه‌کوچك وپنج‌روزبعدی (خمسه‌مسترقه) را، پنجهٔ بزرگ یا **پنجه‌وه** می‌نامند. درپنجهٔ بزرگ، گاهنبار **همسپتمدیم** که آخرین گاهنبار از شش‌چهرهٔ گاهنبار است، برگزار می‌گردد یابه‌اصطلاح، گاهنبار **خوانده** می‌شود ازپس آن، در روز اورمزد از فروردین‌ماه، نوروز می‌آید.

روز اورمزد ازماه فروردین که بنابرتقویم قدیمی وسنتی زردشتیان، به‌سبب اشتباه در **گاه‌شماری**، مصادف با میان تابستان می‌شود، با نام **اورمزد روزمردگان** یا **نوروز مردگان** یا **اورمزد روز پنجه**، خوانده می‌شود ومراسم وآدابی درآن انجام‌می‌گیرد که بارسوم جشن **نوروز رسمی** و **نوروز جمشیدی** یکسان نیست.

پیشتر رسم بودکه دراین روز، ابتدا از درگذشتگان یاد شود. از آن جمله، پیش از دمیدن سپیده، برفراز بام‌ها، نیایش‌کنان آتش‌های بلند برمی‌افروختند ودر سپیده‌دم، آدابی برگزار می‌شد که ویژهٔ یادبود رفتگان است. سپس از **آرامگاه** که **دادگاه** یا **دخمه و گورستان** باشد، زیارت می‌شد. پس‌از آن بودکه مراسمی نزدیك‌تر به جشن نوروز رسمی، برپا می‌گردید.

برای آگاهی بیشتر دربارهٔ گاهنبار، نك. به‌پورداود: خرده اوستا. چاپ بمبئی. صفحه ۲۱۵ به‌بعد ونیز دکتر مهرداد بهار: اساطیر ایران. ازانتشارات بنیاد فرهنگ ایران. سال ۱۳۵۱. صفحه ۷ به‌بعد.

۱- نام بیست‌وششمین روز از هرماه است.

۲- نام آخرین بخش ازگاهان، سرودهای آسمانی زردشت ونیز نام آخرین روز از پنجه یعنی آخرین‌گاهنبار است‌که باروز بیست‌ونهم اسفندماه منطبق می‌گردد. پس از این روز، اورمزد و فروردین‌ماه می‌آید که نخستین روز از نوروز است. بر طبق تقویم جدید، درسال‌هائی‌که اسفندماه سی‌روز دارد، میان این روز وآغاز سال‌بعد، **اورداد روز**، قرار می‌گیرد.

www.noormags.com

وبا فرزندان خویش، خوشی ورامش کند. [به]این مثل (= چنین)، روان دوزخیان خوشی ورامش کند. درگاه[1] (= زمان، هنگام) وداع، پیش (= نزد) ونند ایستد و سخنی چند، پرمنت (= سپاسگزاری) وعذرخواهی (= تشکر) گوید که: ای نیک‌بخت روان که از (= به‌واسطهٔ) کنش‌خود، این گنج (؟) را [با] سختی (= جد و جهد؟) اندوختم! وتونیز، به‌حکم‌دادار، این‌گنج (؟) را، [با]سختی (= جدوجهد؟) اندوزی! بدین‌سان، سخنی چند، پرخوبی گوید. نیز چونان گوید: مایان‌که درآن جهان رویم، مردمان راگوئیم که‌شما، از (= به‌واسطه، بنابر) حکم‌دادار اورمزد، [در] روز اورمزد، ماه فروردین، درون ونند یزید[2] (= می‌یزید، بجای‌می‌آورید)، [که] ازآن، مایان بسیار خوش (= خشنود) شویم (= می‌شویم) وبر مردمان نیز درودکنیم‌که (= تا) از سوی (= برای) روان نیز، تورا خوشی ورامش رسد. بجز این، بس سخن پرنیکی گوید و از این گیتی، وداع شود و آیند تا روز فروردیگان [از سال دیگر] که [باز] از روزاشتاد تا بامداد [روز پس از] وهشتواشت‌گاه [است که درگیتی] ماند و رامش کند. نیز، آن‌روان دوزخیان را، در آن ده روز، بیم و ترس ماند (= باشد)، [از اندیشهٔ آن] که پس از ده روز، روان را باز، به دوزخ برند. چنان که‌کسی را سخت [در] زندان پادشاه، قیدکرده باشند[3] واو را یك زمان (= زمانی‌کوتاه)، بیرون آورند و (= پس) او را بیم و ترس ماند (= باشد)که: مارا بازبه زندان برند! مثل (= مانند) او، روان دوزخیان، در دل، خود بیم‌دارد و[گویدکه] : درون ونند ایزد را فراز تلاوت (؟) کنید که (= تا) مایان در برابر ونند ایزد، سرخ روی شویم[4] و [سپس] از این گیتی وداع شود، بـه [سوی] جای

۱ـ ظاهرآفاعل این‌جمله‌یاجملهٔ‌بعدی‌ونیزپس‌ازآن، **روان بهشتی** است‌ونه **روان دوزخی**!

۲ـ از مصدر **یشتن** است یعنی **یشتن درون‌ونند**. نك. به همین‌گفتار. یادداشت شمارهٔ ۶ ازصفحه ۹۱۹.

۳ـ متن: کرده باشد.

۴ـ متن : رویم. احتمالاً فعل **رفتن** است‌که درمعنای **شدن** به‌کار رفته است ودر قدیم موارد استعمال دارد.

www.noormags.com

خویش. از آن [روی] دادار اورمزد، برهمهٔمردمان بهدین، ضرورت کرفه[1][کردن] برای خشنودی روان راگفته (= مقرر کرده) است که‌در روز اورمزد، ماه‌فروردین، [باید] واج‌وننداِیزد یزید (= بجای آورید، اجراکنید) [تا] درآن جای (= دوزخ) دیوان را زدن (= سرکوبی) و ونند ایزد را، خوشدلی ورامش فراز رسد.

پس، وننداِیزد به اشوزردشت گفت‌که: ای زردشت اسپیتمان! درآن گیتی، همهٔمردمان رابگوی،که‌من‌را،داداراورمزد،درمیان [آن]چهارستاره،بزرگی وسرداری داده است، به‌واسطهٔ پاسبانی [کردن‌برسر] دوزخ. درون مارا، شما یزید [= بجای آورید، انجام دهید)، [چنان که] از آن درون، هر سه ستارهٔ [دیگر] را نیز، بهری کرده، دهید؛ ازاین سبب، درون چهار پاره کنید [تا] بهرهٔ چهار ستاره نیز راست بود (=شود) [و] آن [درون] را **بریدهٔ ونند** گویند.

دربارهٔآن،داداراورمزد،اشوزردشت رافرمودکه: هرکسی‌که‌درآن‌جهان‌سردار باشد، او (= بهدین، مؤمن) را کرفهٔ بسیار بزرگ است [کـه] هر چه که خورش [برای] خوردن [آن‌سردار] روانه‌کند، و (= هنگامی که، پس) هر کس که بهدین [است، چون] بر سفره‌آید، بهدینان [میزبان] رابایدکه‌برای او (= همراهان سردار مهمان)، نیز [چنان‌که] شاید[2]، بهری کرده، دهد. چون‌که ونند ایـزد نیز برای آن بهدینان، [مهمان واورا] سرداری وبزرگی، بسیارباشد و (= پس) [از بشتن درون چهار پاره]، کرفه، فراز (= بسیار) یافت شود.

دادار پاك، زردشت برحق!

۱ـ ثواب؛ مراسم و آدابی دینی که‌اجراکردن وانجام‌دادن آن ثواب دارد.
۲ـ احتمال دیگر :... [اگر] تواند...

www.noormags.com